نامی آشنا در کوچه‌های ایثار

شهید سرلشکر حسن آبشناسان از فرماندهان دلاور ارتش بود که در دوران دفاع‌مقدس نام او به‌عنوان نمادی از شجاعت و ایمان ثبت شده است. او در تهران به دنیا آمد و پس از طی دوران تحصیل، وارد دانشکده افسری شد و به‌سرعت درجات نظامی را کسب کرد. او در رشته تربیت بدنی و همچنین دوره‌های تکاوری و چتربازی تخصص پیدا کرد و بعدها به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین فرماندهان تکاور ارتش شناخته شد. با آغاز جنگ تحمیلی، آبشناسان در خطوط مقدم حضور یافت و علاوه بر فرماندهی در عملیات‌ها نیز شرکت می‌کرد. ایمان عمیق، نظم نظامی و روحیه فداکارانه‌اش سبب شد نیروها با جان و دل از او پیروی کنند.

یکی از خاطرات شنیدنی از او در جبهه این است که در یکی از عملیات‌ها وقتی نیروها از شدت خستگی و تشنگی در دل بیابان مانده بودند، او بدون توجه به مقام و درجه، قمقمه آب خود را میان سربازان تقسیم کرد و گفت: «فرمانده‌ای که آب بخورد و سربازش تشنه بماند، دیگر فرمانده نیست.» این رفتار ساده اما پرمعنا، روحیه‌ای تازه در دل نیروها دمید و آنان با انگیزه‌ای دوچندان به میدان بازگشتند. سرانجام شهید آبشناسان در منطقه شمال‌غرب کشور به شهادت رسید و نامش در تاریخ به‌عنوان قهرمان ملی جاودانه شد.



یادداشت

حیوانات در قاب فرهنگ و جامعه



سانا زقنبری
دبیر چاردیواری

به‌مناسبت «روز دامپزشکی»، پرونده این هفته «چاردیواری» را به موضوع نقش دامپزشک در راستای بهبود زندگی حیوانات، سلامت انسان و حفظ محیط زیست اختصاص دادیم. شاید در نگاه اول، نگهداری از حیوان خانگی یا رسیدگی به حیوانات خیابانی تنها یک علاقه شخصی به نظر آید اما واقعیت این است که این موضوع با سلامت جسمی، روانی و فرهنگ اجتماعی ماگره خورده. به‌همین دلیل تصمیم گرفتیم در این شماره از زوایای مختلف به این موضوع بپردازیم.

در بخش نخست گفت‌وگویی کردیم با فهیمه اسلامی، دامپزشک. او از تجربه‌های کاری‌اش سخن گفت؛ از این‌که فرهنگ نگهداری از حیوان در ایران چه جایگاهی دارد، چه باورهای درست و غلطی در این زمینه میان مردم رایج است و چرا آموزش در این حوزه می‌تواند بسیاری از مشکلات را برطرف کند. صحبت‌های این دامپزشک نشان داد نگهداری حیوان خانگی نه‌تنها به‌معنای داشتن یک موجود بامزه در خانه نیست، بلکه مسئولیتی بزرگ است که به دانش و آگاهی نیاز دارد.

در بخش پزشکی، سراغ بیماری‌ای رفته‌ایم که نامش با حیوانات گره خورده است؛ «هاری». بیماری‌ای مرگبار که گرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد دیگر خیلی شایع نیست اما همچنان تهدیدی جدی به شمار می‌رود. در این مطلب به زبان ساده توضیح داده‌ایم که ویروس هاری چیست، چگونه منتقل می‌شود و اگر کسی دچار حیوان‌گزیدگی شد، چه کارهایی باید بکند. از شست‌وشوی فوری زخم گرفته تا مراجعه به پزشک و دریافت واکسن و سرم، همه این مراحل با بیانی روشن و قابل فهم برای مخاطبان مرور شده تا دانستن آنها بتواند روزی به نجات جان کسی کمک کند.

در ادامه پرونده امروز، به پدیده پرسروصدای این روزهای فضای مجازی یعنی حیوان‌بلاگری پرداخته‌ایم. پدیده‌ای که در ظاهر با ویدئوهای بامزه از حیوانات، دل مخاطب را می‌برد اما در باطن گاهی با آزار حیوان، سوءاستفاده از احساسات مردم و حتی کلاهبرداری همراه است. در این مطلب تلاش کرده‌ایم پرده از این واقعیت برداریم و بگوییم چرا باید هوشیارتر باشیم و هر ویدئوی رنگی و جذابی را بی‌چون و چرا تحسین نکنیم.

و در نهایت، از نظریات روان‌شناسانه هم غافل نشده‌ایم. چون بسیاری از افراد تجربه ترس یا حتی فوبیای حیوانات را دارند، به‌ویژه وقتی در گذشته اتفاق ناخوشایندی برای‌شان افتاده است.

در این بخش توضیح داده‌ایم که چگونه می‌توان با روش‌های روان‌شناختی مثل مواجهه‌درمانی و شناخت‌درمانی این ترس‌ها را کم کرد و دوباره به آرامش رسید.

پرونده این هفته دعوتی است برای نگاه عمیق‌تر به حیوانات؛ موجوداتی که حضورشان می‌تواند زندگی ما را پر از آرامش کند، به شرط آن‌که ما هم با مسئولیت و آگاهی به سراغ‌شان برویم.

پرونده ویژه

حیوان‌دو

قانون‌گذاری، حلقه گمشده فر

هانا چراغی
روزنامه نگار



نگهداری از حیوانات خانگی در شهرها، سال‌هاست به بخشی از سبک زندگی بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده است. با این حال، نبود قوانین جامع و نظارت کافی، باعث ایجاد چالش‌های متعددی هم برای صاحبان حیوانات و هم برای شهروندانی شده که از حضور حیوانات در محیط عمومی احساس ناامنی می‌کنند. از این‌رو، لازم است چارچوب‌های مشخص و علمی برای نگهداری از حیوانات خانگی و حتی کنترل جمعیت حیوانات بلاصاحب در کشور تدوین و اجرایی شود.

قاعدتا مهم‌ترین مسأله در نگهداری از حیوانات خانگی، انجام واکسیناسیون‌های منظم و کنترل مداوم سلامت آنها در کلینیک‌های دامپزشکی است. با این حال، باید صاحبان این حیوانات به این نکته هم توجه داشته باشند که در محیط‌های عمومی برای حیوان از قلاده یا باکس نگهداری پت‌ها استفاده کنند. سگی که بدون قلاده در پارک یا خیابان رها شود، نه‌تنها می‌تواند موجب ترس و نگرانی شهروندان شود بلکه در شرایط خاص احتمال بروز حوادثی مانند گاز گرفتگی یا درگیری نیز وجود دارد.

در کنار حیوانات خانگی، مسأله حیوانات بلاصاحب (به‌ویژه سگ‌های ولگرد) یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بهداشتی و اجتماعی در بسیاری از شهرهاست. آمارهای رسمی نشان می‌دهد سالانه موارد متعددی از سگ‌گزیدگی در کشور ثبت می‌شود که بخش عمده آن به سگ‌های بلاصاحب مربوط است. راهکار پذیرفته‌شده جهانی که برای مدیریت جمعیت این حیوانات وجود دارد، عقیم‌سازی سیستماتیک آنهاست. تجربه بسیاری از کشورهای اروپایی نشان داده که با اجرای برنامه‌های گسترده عقیم‌سازی، همراه با واکسیناسیون، امکان کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد و کاهش بیماری‌هایی چون هاری فراهم می‌شود که بهتر است چنین اقدامی در ایران نیز در دستورکار قرار گیرد تا از بروز چالش‌های جدی در این زمینه جلوگیری شود.

موضوع مهم دیگر، مسأله غذا دادن به حیوانات ولگرد در معابر و فضاهای عمومی است. هر چند این اقدام از دید برخی افراد نوعی حیوان‌دوستی تلقی می‌شود اما این کار در عمل به افزایش جمعیت و وابستگی آنها به منابع غذایی شهری منجر می‌شود و چرخه طبیعی حیات‌شان را مختل می‌کند. در بسیاری از کشورها، غذا دادن به حیوانات بلاصاحب تنها در مراکز کنترل‌شده مانند پناهگاه‌ها صورت می‌گیرد.

بنابراین، ایجاد پناهگاه‌های استاندارد یکی از اساسی‌ترین گام‌ها برای مدیریت انسانی حیوانات بلاصاحب است. این شیوه علاوه‌بر کاهش جمعیت بی‌رویه، امنیت شهروندان را تضمین کرده و از بروز تنش میان انسان و حیوان جلوگیری می‌کند. بر این اساس، مدیریت حیوانات خانگی و بلاصاحب تنها یک وظیفه فردی یا دغدغه دامپزشکی نیست؛ بلکه موضوعی چندوجهی است که به همکاری شهرداری‌ها، سازمان‌های متولی سلامت، انجمن‌های مردم‌نهاد و مشارکت شهروندان نیاز دارد. تنها با رویکرد علمی و قانونمند می‌توان حقوق حیوانات را رعایت و آرامش و سلامت جامعه را حفظ کرد . برای بررسی ابعاد مختلف این مسأله، گفت‌وگویی با فهیمه اسلامی، دامپزشک داشتیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

آیا قوانین مشخصی برای نگهداری حیوانات خانگی در آپارتمان یا فضای عمومی وجود دارد؟

از لحاظ قانونی، اطلاعی ندارم که آیا می‌شود سگ و گربه را در خانه نگهداری کرد یا نه. این را باید از نهادهای متولی قانون پرسید اما اصولا صاحب هر حیوان خانگی وظیفه دارد کنترل کامل حیوان را برعهده داشته باشد. یعنی باید حتما قلاده بزند، حیوان را کنار خودش نگه دارد و همه مراحل واکسیناسیون و درمانش را به‌طور منظم انجام دهد.

اگر حیوان در فضای عمومی رفتاری خطرناک داشته باشد یا مشکلی ایجاد کند، چه کسی مسئول است؟

در صورتی که در پارک یا هر محیط عمومی سگی به کسی حمله کند، تمام مسئولیت بر عهده صاحب آن حیوان است. حتی وقتی حیوان را برای گردش می‌برند، اگر سگ مدفوع کند، این وظیفه صاحب اوست که مدفوع را از خیابان، کوچه یا پارک جمع‌آوری کند. چون مدفوع حیوان می‌تواند حامل ویروس، باکتری یا انگل باشد؛ مخصوصا اگر واکسیناسیون، به شکل صحیحی انجام نشده باشد. حتی در صورتی که واکسیناسیون انجام شده باشد، باز هم برای زیباسازی شهر و حفظ بهداشت عمومی باید این کار انجام شود. در نهایت، مسئولیت کامل این موارد با صاحب حیوان است.

با توجه به افزایش نگهداری حیوان خانگی در شهرها، خطر انتقال بیماری‌های مشترک بین حیوان و انسان تا چه حد جدی است؟

این موضوع بسیار جدی است. البته وقتی از بیماری‌های مشترک صحبت می‌کنیم، بیشتر منظورمان حیوان‌گزیدگی و بیماری‌هایی است که از حیوانات بلاصاحب، به‌ویژه سگ‌های ولگرد منتقل می‌شود.

ما فقط در سال ۱۴۰۳ نزدیک به ۴۰۰ هزار مورد حیوان‌گزیدگی در کشور داشتیم که بیشتر مربوط به سگ‌ها بوده و متأسفانه همان سال، طبق گزارش رسمی وزارت بهداشت، ۲۴ نفر بر اثر ابتلا به بیماری هاری جان خود را از دست دادند؛ چراکه بیماری هاری یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌هاست که از طریق گزش حیوان منتقل می‌شود.

سگ‌های صاحب‌دار، در صورت دریافت به‌موقع واکسن، خطری ندارند. این حیوانات باید به طور منظم واکسیناسیون شوند. با تکمیل واکسن‌ها، این سگ‌ها بی‌خطر هستند اما مشکل اصلی سگ‌های بلاصاحب است، چون هیچ سیستمی برای واکسیناسیون آنها نیست. این سگ‌ها در کوچه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها، اطراف شهرها و روستاها دیده می‌شوند و هیچ کنترلی روی آنها نیست. بنابراین خطر انتقال بیماری از طرف آنها بیشتر است.

آمار حیوان‌گزیدگی بیشتر مربوط به کدام مناطق کشور است؟

براساس آمار وزارت بهداشت، بیشترین موارد حیوان‌گزیدگی در استان تهران گزارش شده و بعد از آن استان‌های شمالی مثل گیلان. دلیل آن جمعیت بالای حیوانات بلاصاحب در این مناطق است. هر چه تعداد این حیوانات بیشتر باشد، به‌طور طبیعی گزش نیز افزایش می‌یابد.

چرا جمعیت سگ‌ها و گربه‌های بلاصاحب در شهرها تا این اندازه زیاد شده است؟

یکی از مهم‌ترین دلایل، مدیریت نادرست پسماند است. وقتی زباله‌ها درست جمع‌آوری نمی‌شود، این حیوانات به یک منبع غذایی آسان و دائمی دسترسی پیدا می‌کنند. همین دسترسی ساده باعث می‌شود بیشتر زاد و ولد کنند و جمعیت‌شان به‌طور افسارگسیخته‌ای افزایش پیدا کند. طبق برآوردها، هم‌اکنون بین پنج تا شش میلیون سگ بلاصاحب در کشور وجود دارد. وقتی منبع غذایی بیشتری در دسترس‌شان باشد، جمعیت‌شان باز هم بیشتر می‌شود.

برخی افراد یا گروه‌ها در فضای مجازی برای سگ‌ها و گربه‌های بلاصاحب غذا تهیه می‌کنند و آن را نوعی حیوان‌دوستی می‌دانند؛ واقعیت این است که این کار بیشتر از این‌که مفید باشد، آسیب‌رسان است. بعضی بلاگرها غذاهایی مثل گوشت و مرغ تهیه می‌کنند و در بیابان‌ها یا اطراف روستاها برای سگ‌های بلاصاحب می‌ریزند و فکر می‌کنند کار درستی انجام می‌دهند اما این فقط باعث افزایش جمعیت آنها می‌شود. از طرفی دستگاه گوارش سگ بعد از شش ساعت دوباره خالی می‌شود و اگر مرتب به آنها غذا داده شود، بیشتر تولیدمثل می‌کنند. همین مسأله جمعیت‌شان را غیرقابل کنترل می‌کند. حتی گربه‌ها هم وقتی در شهرها غذای آماده پیدا می‌کنند، جمعیت‌شان زیاد می‌شود. این افزایش جمعیت به بیماری‌های انگلی، ویروسی و باکتریایی دامن می‌زند.

پیامدهای زیست‌محیطی این رفتارها چیست؟

وقتی پسماند و غذا در کوچه و خیابان ریخته می‌شود، علاوه بر سگ و گربه، حیوانات موذی مثل موش هم جذب می‌شوند. به این ترتیب چرخه طبیعی به‌هم‌می‌خورد و جمعیت حیوانات موذی هم افزایش پیدا می‌کند. همه اینها درنهایت خطر انتقال بیماری‌ها به انسان را افزایش می‌دهد.

اگر کسی واقعا حیوان‌دوست است، می‌تواند آن را به خانه بیاورد، واکسینه‌اش کند و مراقبت‌های دامپزشکی لازم را انجام دهد. این کار درست است، نه غذادادن بی‌حساب در خیابان‌ها. مدیریت حیوانات بلاصاحب در محدوده شهرها وظیفه شهرداری‌هاست. اگر سازمان‌های مردم‌نهاد قدرتمندی داریم، می‌توانند به شهرداری‌ها کمک کنند تا پناهگاه‌ها و شلترها ساخته شود. اول باید این حیوانات جمع‌آوری شوند و بعد در مراکز کنترل‌شده به آنها غذا بدهند.

اگر این مشکل مدیریت نشود، چه پیامدهایی در جامعه خواهیم داشت؟

متأسفانه همین حالا هم آمار حملات حیوانات بلاصاحب بالاست. بارها شنیده‌ایم که کودکان در اطراف شهرها و روستاها مورد حمله سگ‌ها قرار گرفته‌اند. اخیرا هم کودکی به‌دلیل گزش سگ جان خود را از دست داد و این اتفاق‌ها غیرقابل جبران است. پس اگر واقعا به حیوانات علاقه‌مندیم، باید به شکل اصولی و علمی از آنها مراقبت کنیم، نه این‌که با رفتارهای هیجانی باعث افزایش جمعیت آنها و تهدید سلامت انسان‌ها و حتی خود حیوانات شویم.

به‌عنوان دامپزشک، با عقیم‌سازی سگ‌های بلاصاحب موافق هستید؟

به‌شدت موافقم. اگر می‌خواهیم ازدیاد جمعیت سگ‌های بلاصاحب در کشور را کنترل کنیم، ابتدا باید این حیوانات را به پناهگاه‌هایی منتقل کنیم.

همان‌طور که در کشورهای دیگر تا این حد تعدادشان زیاد نیست و مدیریتی روی جمعیت آنها وجود دارد. مثلا در بسیاری از کشورهای اروپایی به‌ندرت سگ‌های بلاصاحب دیده می‌شوند و همه‌شان جمع شده‌اند.

هاری در بسیاری از کشورهای اروپایی به صفر رسیده، درحالی‌که در ایران در سال ۱۴۰۳، بالغ بر ۲۴ مورد ابتلا به بیماری هاری داشتیم.

برای مدیریت جمعیت سگ‌های بی‌صاحب، این کشورها پناهگاه‌هایی ایجاد می‌کنند و حیوانات ابتدا به آنجا منتقل می‌شوند. در این پناهگاه‌ها، نخست سگ‌ها به‌طور کامل واکسینه و سپس توسط دامپزشکان عقیم‌سازی می‌شوند. در مرحله بعد، اعلام می‌شود افرادی که به نگهداری این حیوانات علاقه‌مندند، می‌توانند سرپرستی آنها را به‌عنوان سگ‌های نگهبان یا خانگی بر عهده بگیرند.



تجارت کثیف پشت نقاب مهربانی

فاطمه نوروزی
روزنامه‌نگار



همه ما می‌دانیم که بعضا فضای مجازی به محلی برای دیده‌شدن و کسب درآمد تبدیل شده است. در این میان، یکی از پدیده‌های پرطرفدار، «حیوان‌بلاگرها» هستند؛ کسانی که با نمایش حیوانات خانگی یا خیابانی در صفحات خود، میلیون‌ها بازدید و هزاران دنبال‌کننده جذب می‌کنند. در اولین برخورد، شاید این جریان بی‌ضرر یا حتی مثبت به نظر برسد. دیدن یک گربه بامزه یا سگی که لباس رنگی پوشیده، لبخند به لب مخاطب می‌آورد و باعث می‌شود افراد بیشتری به حیوانات علاقه‌مند شوند اما اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که همه‌چیز به این سادگی نیست. پشت پرده بسیاری از این صفحات، سوءاستفاده از حیوانات، آزار آنها و حتی کلاهبرداری‌های گسترده پنهان شده است.

وقتی شهرت مهم‌تر از حال حیوان می‌شود

بسیاری از حیوان‌بلاگرها برای جلب توجه، حیوانات را در شرایطی قرار می‌دهند که با زندگی طبیعی‌شان سازگار نیست. مثلا ویدئوهایی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که در آنها یک گربه با لباس‌های تنگ جلوی دوربین نمایش داده می‌شود. گرچه ظاهر این گربه خنده‌دار و بامزه به نظر می‌رسد، در واقع حیوان تحت فشار شدید قرار دارد. مثلا سگی را مجبور می‌کنند حرکات غیرعادی انجام دهد تا لحظه‌ای کوتاه برای خنده مخاطب ضبط شود یا حتی گاهی حیوان را عمدا در شرایط ترس و خطر قرار می‌دهند تا واکنشش را ثبت کنند.

مثالی دیگر از این وضعیت مربوط به پرندگان زینتی است که برای جذاب‌ترشدن فیلم، پرهای‌شان رنگ یا بال‌های‌شان کوتاه می‌شود تا پرواز نکنند! مسلما این کارها شاید برای مخاطب «جذاب» به نظر بیاید اما برای حیوان دردناک و آسیب‌زننده است. پرسش مهم اینجاست آیا ارزش دارد برای چند هزار لایک و بازدید، حیوانی رنج بکشد؟ قطعا نه اما وقتی پای درآمدهای آنچنانی از تبلیغات و اسپانسرها در میان باشد، بسیاری از بلاگرها حاضرند این مرز اخلاقی را نادیده بگیرند.

پول به‌نام حمایت، کلاهبرداری به‌کام بلاگر

یکی دیگر از ابعاد تاریک حیوان‌بلاگرها، جمع‌آوری پول به اسم کمک به حیوانات است. صفحه‌هایی ایجاد می‌شود که تصاویر حیوانات زخمی یا بیمار را منتشر می‌کنند و با نوشتن جملاتی احساسات برانگیز، از مردم می‌خواهند برای درمان یا تغذیه حیوانات کمک مالی کنند اما در بسیاری موارد، پول جمع‌شده هرگز صرف همان حیوان نمی‌شود.

مثلا بلاگری تصویری از سگی زخمی منتشر می‌کند و می‌نویسد: «برای جراحی فوری این سگ فقط ۱۰ میلیون تومان نیاز است، لطفا کمک کنید». مردم با نیت خیر پول می‌فرستند اما بعدا معلوم می‌شود سگ مدت‌ها پیش درمان شده یا اصلا ارتباطی با آن فرد نداشته است. این کلاهبرداری نه‌تنها به حیوانی که واقعا نیازمند است کمکی نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی به حامیان واقعی را هم از بین می‌برد.

اما آیا همه کسانی که برای حیوانات کمک جمع می‌کنند، کلاهبردارند؟ خیر. بسیاری از افراد و گروه‌ها صادقانه فعالیت کرده و تمام کمک‌ها را صرف نگهداری حیوانات می‌کنند. منتها مشکل اینجاست که وجود افراد سودجو باعث شده مردم نتوانند به‌راحتی میان کار درست و فریبکارانه تفاوت قائل شوند.

مافیای حامیان حیوانات؛

در سال‌های اخیر اصطلاح
شده است. این اصطلاح به ا
حیوانات فعالیت می‌کنند ا
مجازی به راه انداخته‌اند. ای
حیوان هستند، کمک‌های
بسیاری از این پناهگاه‌ها ش
بیشتر صرف تبلیغات و نمای
برای مثال، در بعضی شهرها
برای جمع‌آوری پول مطرح ش
زندگی می‌کنند و هیچ شفاف
«مافیا» معنا پیدا می‌کند؛ گ